



دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی

گروه علمی حقوق

رساله برای دریافت درجه دکتراى تخصصى در رشته حقوق بين الملل

سیاست جنایی سازمان ملل متحد در قبال نسل کشی

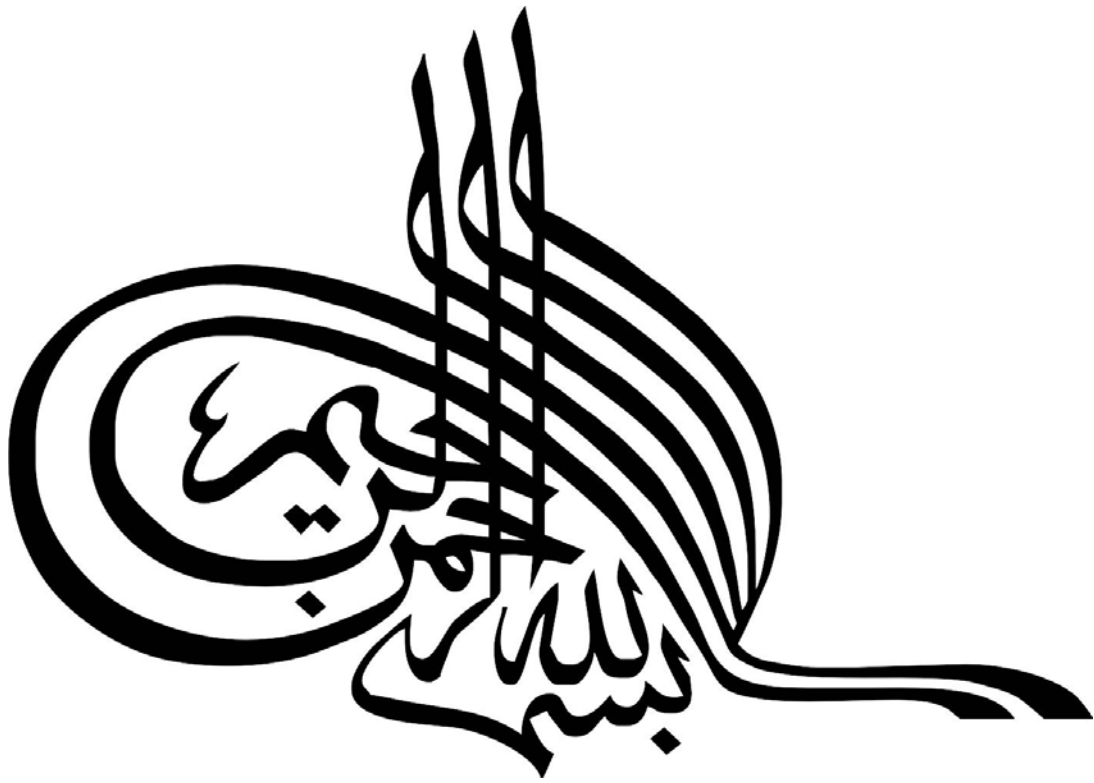
استاد راهنما: جناب آقای دکتر علی خالقی

استاد مشاور اول: جناب آقای دکتر سید قاسم زمانی

استاد مشاور دوم: جناب آقای دکتر محمد جواد شریعت باقری

دانشجو: حمیدرضا جاویدزاده

نیمسال اول تحصیلی ۸۹-۹۰



تقدیم به:

پدر و مادرم عزیزم که با عشق خدایی دوست و دوستدار همیم؛
معلمان و اساتید بزرگواری که کریمانه در راه دانش و معرفت دستم بگرفتند و راه
رفتیم آموختند؛

همسر مهربانم نیلوفر به پاس محبت، فداکاری و بردباری؛
فرزندان دلبندم وحید و یلدا که شادی کودکانه شان، طراوت بخش و غزل سرای
زندگی من است؛

خانواده ارجمندم که دلسوزانه برای رشد، تعالی و پیشرفت من زحمت کشیدند؛

تقدیر

به طور مسلم آن چه در این رساله نوشته شده حاصل تلاش و همت اساتید و اندیشمندان فرهیخته و بزرگوار است که به عنوان کمیته علمی رساله اینجانب را در تهیه و تدوین آن کریمانه ارشاد و راهنمایی فرمودند و در راه دانش و معرفت دستم بگرفتند و راه رفتنم آموختند؛ از این دانشوران و صاحبان اندیشه و قلمی که در کلمه به کلمه نوشته های این متن با من بودند سپاسگزاری و با فروتنی، ارادت قلبی خود را به پیشگاه آنها تقدیم می کنم؛ جناب آقای دکتر علی خالقی استاد گران سنگ و عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران که راهنمایی رساله را بر عهده داشتند، جناب آقای دکتر سید قاسم زمانی استاد فرزانه و عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی تهران و جناب آقای دکتر محمد جواد شریعت باقری استاد گرانمایه و عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، به عنوان اساتید مشاور، هر کدام به نوبه خود در تدوین و نگارش این رساله سهم بزرگی دارند. اگر پرتو افکنی نور چراغ راهنمایی این بزرگواران نبود تشخیص راه از بیراهه برای من سخت و دشوار بود؛ بار علمی رساله متعلق به این فرزنانگان و محصول دوراناندیشی و درایت این بزرگواران و ژرف اندیشان و کاستی های آن متعلق به من است؛ با بیان قاصر خود نمی توانم همت والایشان را بستایم، زحماتشان را ارج نهم و قدرشناس بزرگواریشان باشم، اما به پاس زحمات و درس معلمی و زمزمه محبتی که به من آموختند و من طفل گریز پای مدرسه را با عشق و محبت به کانون معرفت و شهر دانش خود فراخواندند به تاسی از سخن گهربار معصومین علیهم السلام، من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً، و من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق و به شکرانه پایان این دفتر، به عنوان شاگرد کوچک خرسند و مفتخرم ضمن سپاس و قدردانی صمیمانه، بر دستانشان بوسه زنم و بگویم شما صاحبان قلم و اندیشه، گوی سبقت را از شهداء گرفته اید و بر بام بلند برتری بر شهیدان نشستید؛ چون در قاموس ما و به فرمایش صادق اهل بیت (ع) خون شهیدان با جوهر و مرکب قلم سنجیده می شود. مداد العلماء افضل من دماء الشهداء.

توفیق حق رفیق راهتان و لطف بیکران شما شامل حالتان.

چکیده

سازمان ملل متحد مهم‌ترین سازمان بین‌المللی است که در قالب اهداف و مأموریت‌هایی که در زمینه صلح و امنیت بین‌المللی و حقوق بشر دارد، حافظ ارزش‌های بنیادین جامعه بین‌المللی است. حق حیات، به عنوان اساسی‌ترین ارزش جامعه بین‌المللی از چنان اهمیت خاصی برخوردار است که بدون آن، امکان برخورداری از سایر حقوق انسانی وجود ندارد تا جایی که ممنوعیت سلب آن، قاعده آمره حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود. از این رو، از نظر سازمان ملل متحد، حمایت از حق حیات انسان‌ها اهمیت خاصی دارد. نسل‌کشی ناقض ارزش بنیادین حق حیات گروه‌های انسانی است که در همه برهه‌های تاریخ به بشریت لطمات سنگینی وارد نموده است. سازمان ملل به رغم اتخاذ تدابیر مختلف برای پیشگیری از وقوع نسل‌کشی، هنوز نتوانسته به وعده جلوگیری از وقوع آن، جامه عمل بپوشاند و جهان به طور مکرر شاهد وقوع آن بوده و در آغازین سال‌های قرن بیست و یکم بيم تکرار آن به واقعیت عملی تبدیل شده و این وضعیت، سؤالاتی پیرامون رویکردهای سازمان ملل در قبال آن مطرح نموده است. در این رساله، سیاست جنایی سازمان ملل در قبال نسل‌کشی در قالب چند سؤال طرح، تبیین و متناسب با سؤالات فرضیه‌هایی ارائه شده است؛ کارآمدی رویکردهای پیشگیرانه، تقنینی، قضایی و مشارکتی سازمان ملل در قبال نسل‌کشی، رابطه آن با مشارکت جامعه بین‌المللی و ساختار سازمان ملل و بالاخره، کارآمدی سیاست جنایی سازمان ملل برای مبارزه با نسل‌کشی، سؤالاتی است که در این رساله طرح، بررسی و بر اساس تحقیقات انجام شده درستی همه فرضیات اثبات شده است. بررسی نشان داده که همه اجزاء سیاست جنایی سازمان ملل متحد برای مبارزه با نسل‌کشی یعنی ابعاد پیشگیرانه، تقنینی، قضایی و مشارکتی وجود دارد و مبارزه مؤثر و کارآمد با نسل‌کشی با کارآمدی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی سازمان ملل، مشارکت جامعه بین‌المللی و ساختار سازمان ملل رابطه دارد. در رهگذر زمان، سیاست جنایی سازمان ملل برای مبارزه با نسل‌کشی مانند بسیاری از موضوعات حقوق بین‌الملل روند تدریجی توسعه و تکامل را طی کرده و رویکردهای آن از کارآمدی نسبی برخوردارند اما انسجام کافی ندارند. در عین حال، سیاست جنایی سازمان ملل برای مبارزه با نسل‌کشی آشفته و بحرانی نیست. برداشت و استنتاج کلی این است که سیاست جنایی سازمان ملل برای مبارزه با نسل‌کشی به عنوان یک سیستم یا نظام تعریف نشده است. سازمان ملل متحد برای جلوگیری از افتادن در ورطه آشفته‌گی و بحران سیاست جنایی برای مبارزه با نسل‌کشی، باید با در نظر گرفتن نارسایی رویکردها و با استفاده از دستاوردهای حقوق بین‌الملل عرفی به ویژه عزم و اعتقاد حقوقی دولت‌ها برای مبارزه با این پدیده شوم، از نو سیاست جنایی را نظام مند تعریف و مهندسی کند؛ به گونه‌ای که در این مهندسی جدید، بین رویکردهای مختلف آن ارتباط و انسجام منطقی برقرار و راهبرد جهانی مقابله با نسل‌کشی با اولویت‌های مشخص تدوین شود.

فهرست کلی

صفحه	عنوان
۲۷.....	بخش اوّل: نسل کشی و جایگاه سیاست جنایی در سازمان ملل متحد
۲۹.....	فصل اوّل: مفهوم و تحولات نسل کشی
۵۸.....	فصل دوّم: جایگاه سیاست جنایی در سازمان ملل متحد
۱۰۴.....	بخش دوّم: رویکردهای تقنینی و قضایی سازمان ملل متحد برای مبارزه با نسل کشی
۱۰۶.....	فصل اوّل: رویکرد تقنینی سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی
۱۵۲.....	فصل دوّم: رویکرد قضایی سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی
۲۱۲.....	بخش سوّم: رویکردهای پیشگیرانه و مشارکتی سازمان ملل متحد برای مبارزه با نسل کشی
۲۱۵.....	فصل اوّل: رویکرد پیشگیرانه سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی
۲۷۶.....	فصل دوّم: رویکرد مشارکتی سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی
۳۳۹.....	نتیجه کلی

علائم اختصاری

AJIL: American Journal of International law.
AJLS: African Journal of Legal Studies.
ASQ : Arab Studies Quarterly.
CC: Critical Criminology.
CEA: Cahiers d'Études Africaines.
DJIA: Dalhousie Journal of International Affairs.
EJIL: European Journal of International Law.
HHRJ: Harvard Human Rights Journal.
HJIL: Houston Journal of International law,
HRR: Human Rights Review.
ICLR: International and Comparative Law Review
ILCLQ: International Law and Comparative Law Quarterly.
ISQ: International Studies Quarterly.
JP: Journal des Procès.
JICJ: Journal of International Criminal Justice.
JLP: Journal of Law & Policy
LJIL: Leiden Journal of International Law.
MJIL: Michigan Journal of International Law
MULR: Melbourne University Law Review.
RAJAI: Revue d'analyse juridique de l'actualité internationale.
RDISDP: Revue de Droit International, de Sciences Diplomatiques et Politiques.
RDM: Revue De Droit De McGill.
RH: Revue d'histoire.
RIAPL: Review of International Association of Penal law.
RICPT: Revue Internationale de la Criminologie et de Police Technique.
RICR: Revue Internationale de la Croix-Rouge
RSC: Revue de Science Criminelle.
SIF: Stockholm International Forum.
TILJ: Texas International law Journal.
VJIL: Virginia journal of international law.
WGC: War Crimes, Genocide, & Crimes against Humanity
WUGSLR: Washington University Global Studies Law Review.
YILC: Yearbook of the International Law Commission
YLJ: The Yale Law Journal.

فهرست تفصیلی

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۶.....	فهرست کلی
۷.....	علائم اختصاری
۸.....	فهرست تفصیلی
۱۳.....	مقدمه:
۱۳.....	الف: طرح بحث
۲۰.....	ب: سؤالات تحقیق:
۲۳.....	ب: فرضیات تحقیق:
۲۳.....	ج: پیشنهاد تحقیق:
۲۴.....	د: روش تحقیق
۲۴.....	ه: هدف، ضرورت و کاربرد تحقیق:
۲۵.....	و: سازماندهی تحقیق:

بخش اول:

نسل کشی و جایگاه سیاست جنایی در سازمان ملل متحد

۲۹.....	فصل اول: مفهوم و تحولات نسل کشی
۲۹.....	مبحث اول: مفهوم نسل کشی
۳۰.....	گفتار اول: مفهوم حقوقی نسل کشی
۳۴.....	گفتار دوم: مفهوم جرم شناختی نسل کشی
۳۹.....	مبحث دوم: رویدادهای نسل کشی
۴۰.....	گفتار اول: کشتار ارامنه توسط امپراتوری عثمانی
۴۴.....	گفتار دوم: نسل کشی مردم اوکراین توسط اتحاد جماهیر شوروی
۴۶.....	گفتار سوم: قتل عام یهودیان توسط آلمان نازی
۵۰.....	گفتار چهارم: کشتار مردم کامبوج توسط خم‌های سرخ
۵۲.....	گفتار پنجم: نسل کشی در یوگسلاوی سابق
۵۴.....	گفتار ششم: نسل کشی در رواندا
۵۵.....	گفتار هفتم: نسل کشی در سودان
۵۸.....	فصل دوم: جایگاه سیاست جنایی در سازمان ملل متحد
۵۹.....	مبحث اول: سیاست جنایی؛ مفهوم و تحولات
۵۹.....	گفتار اول: مفهوم سیاست جنایی

۶۱	گفتار دوّم: تحولات سیاست جنایی
۶۵	مبحث دوّم: سازمان ملل متحد و مبارزه با جرائم
۶۶	گفتار اول: فعالیت مستقیم در مبارزه با جرائم
۶۹	بند اول: کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری
۷۱	بند دوّم: کنگره پنج سالانه سازمان ملل راجع به پیشگیری از جرم و رفتار با بزهکاران
۷۲	بند سوّم: نهادهای منطقه ای مسئول سیاست جنایی سازمان ملل
۷۷	گفتار دوّم: فعالیت غیر مستقیم در مبارزه با جرائم
۸۰	بند اول: حفظ صلح و امنیت بین المللی
۸۷	بند دوّم: ترویج حقوق بشر
۹۷	گفتار سوّم: رویکردهای مختلف سیاست جنایی سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی
۱۰۳	نتیجه

بخش دوّم:

رویکردهای تقنینی و قضایی سازمان ملل متحد برای مبارزه با نسل کشی

۱۰۶	فصل اول: رویکرد تقنینی سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی
۱۱۱	مبحث اول: جرم انگاری نسل کشی در اسناد بین المللی
۱۱۱	گفتار اول: کنوانسیون بین المللی پیشگیری و مجازات جرم نسل کشی
۱۱۶	گفتار دوّم: اقدامات کمیسیون حقوق بین الملل در تدوین طرح جرائم علیه صلح و امنیت بین المللی
۱۱۹	گفتار سوّم: اساسنامه دادگاه های کیفری بین المللی و مختلط
۱۱۹	بند اول: دادگاه های نورنبرگ و توکیو
۱۲۳	بند دوّم: دادگاه های کیفری بین المللی اختصاصی
۱۲۳	الف: دادگاه کیفری بین المللی برای یوگوسلاوی سابق
۱۲۵	ب: دادگاه کیفری بین المللی برای رواندا
۱۲۷	بند سوّم: دیوان کیفری بین المللی
۱۲۹	بند چهارم: دادگاه های کیفری مختلط
۱۲۹	مبحث دوّم: محتوای جرم انگاری؛ عنصر مادی
۱۳۰	گفتار اول: نسل کشی
۱۳۰	بند اول: مفهوم گروه و انواع آن
۱۳۷	بند دوّم: اعمال مادی
۱۳۸	الف: قتل اعضای گروه
۱۳۹	ب: ایراد لطمه شدید به تمامیت جسمانی و روانی اعضای گروه
۱۴۱	ج: تحمیل عمدی شرایط زندگی به گروه به منظور نابودی کلی یا جزئی فیزیکی آن
۱۴۱	د: انجام اقداماتی برای جلوگیری از زاد و ولد در درون گروه

۱۴۲	ه: انتقال اجباری کودکان یک گروه به گروه دیگر
۱۴۳	گفتار دوم: جرائم مرتبط با نسل کشی
۱۴۴	بند اول: توطئه برای نسل کشی
۱۴۴	بند دوم: تحریک به نسل کشی
۱۴۷	بند سوم: معاونت در نسل کشی
۱۴۹	مبحث سوم: قصد مجرمانه در نسل کشی
۱۵۰	گفتار اول: مفهوم سوء نیت
۱۵۱	گفتار دوم: احراز سوء نیت
۱۵۲	فصل دوم: رویکرد قضائی سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی
۱۵۳	مبحث اول: توسل به مراجع قضائی صلاحیت دار
۱۵۳	گفتار اول: مراجع قضائی بین المللی
۱۵۳	بند اول: دادگاه های کیفری
۱۵۳	الف: دادگاه های نورنبرگ و توکیو
۱۵۸	ب: دادگاه های موضوع کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل کشی
۱۶۳	ج: دادگاه های کیفری بین المللی اختصاصی
۱۶۴	۱- دادگاه کیفری بین المللی برای یوگوسلاوی سابق
۱۶۹	۲- دادگاه کیفری بین المللی برای رواندا
۱۷۴	د: دیوان کیفری بین المللی
۱۷۶	بند دوم: دادگاه حقوقی؛ دیوان بین المللی دادگستری
۱۷۸	گفتار دوم: مراجع قضائی مختلط
۱۷۸	بند اول: ماهیت و ویژگی های دادگاه های کیفری مختلط
۱۸۱	بند دوم: مبارزه با نسل کشی در پرتو دادگاه مختلط کامبوج
۱۸۷	مبحث دوم: اجرای عدالت در مورد جرم نسل کشی
۱۸۷	گفتار اول: عدالت کیفری
۱۸۸	بند اول: تعقیب مرتکبان نسل کشی و مسؤولیت کیفری فردی
۱۹۳	بند دوم: حمایت از حقوق زیان دیدگان
۱۹۷	بند سوم: رعایت اصل موقعیت داشتن تعقیب کیفری
۲۰۲	گفتار دوم: مسؤولیت بین المللی دولت ها
۲۰۳	بند اول: منشاء مسؤولیت بین المللی دولت ها
۲۰۳	الف: نقض تعهدات بین المللی مربوط به نسل کشی
۲۰۶	ب: قابلیت انتساب نقض تعهدات بین المللی در زمینه نسل کشی به دولت ها
۲۰۶	بند دوم: نظام مسؤولیت بین المللی ناشی از نسل کشی
۲۰۸	نتیجه

بخش سوم:

رویکردهای پیشگیرانه و مشارکتی سازمان ملل متحد برای مبارزه با نسل کشی

- فصل اول: رویکرد پیشگیرانه سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی ۲۱۵
- مبحث اول: پیشگیری از نسل کشی در بستر اهداف سازمان ملل متحد ۲۱۷
- گفتار اول: پیشگیری از نسل کشی در بستر منشور ملل متحد ۲۱۹
- بند اول: پیشگیری از نسل کشی در چارچوب صلح و امنیت بین المللی ۲۲۰
- الف: مفهوم صلح و امنیت بین المللی ۲۲۱
- ب: سازکارها و نهادهای حفظ صلح و امنیت بین المللی ۲۲۲
- ۱- شورای امنیت ۲۲۳
- ۲- مجمع عمومی ۲۲۹
- ۳- دبیرخانه سازمان ملل ۲۳۲
- بند دوم: پیشگیری از نسل کشی در چارچوب حقوق بشر ۲۳۴
- الف: ترویج و ارتقاء حقوق بشر ۲۳۶
- ب: مبارزه با نقض حقوق بشر ۲۳۸
- گفتار دوم: پیشگیری از نسل کشی در بستر کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل کشی ۲۴۱
- بند اول: مفهوم و ماهیت پیشگیری از نسل کشی در کنوانسیون ۲۴۲
- بند دوم: سازکارهای پیشگیری از نسل کشی در کنوانسیون ۲۴۴
- الف: جرم انگاری نسل کشی ۲۴۴
- ب: تعیین ضمانت اجرا برای نسل کشی ۲۴۶
- ج: امکان توسل به نهادهای صلاحیتدار سازمان ملل ۲۴۷
- مبحث دوم: پیشگیری از نسل کشی در پرتو اصلاحات در سازمان ملل ۲۴۹
- گفتار اول: پیشگیری در پرتو تقویت و توسعه هدفمند ماموریت ۲۵۰
- بند اول: حاکمیت دولت ها ۲۵۲
- بند دوم: مسؤولیت برای حمایت ۲۵۴
- الف: مسؤولیت برای پیشگیری از نسل کشی ۲۵۵
- ب: مسؤولیت برای پیشگیری از نسل کشی در موارد فوری ۲۵۸
- ۱- هدف صحیح ۲۶۰
- ۲- گریز ناپذیری مداخله ۲۶۱
- ۳- ابزارهای متناسب ۲۶۱
- ۴- اهداف معقول ۲۶۱

۲۶۴	گفتار دوم: پیشگیری از نسل کشی در پرتو تقویت و توسعه هدفمند نهادها
۲۶۵	بند اول: تقویت و توسعه نهادهای حفظ صلح و امنیت بین المللی
۲۶۷	بند دوم: تقویت و توسعه نهادهای نظارتی حقوق بشر
۲۷۰	بند سوم: تاسیس نهادهای هشدار سریع
۲۷۶	فصل دوم: رویکرد مشارکتی سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی
۲۷۶	مبحث اول: مشارکت دولت ها در سیاست جنایی سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی
۲۷۷	گفتار اول: مشارکت دولت ها در سیاست جنایی پیشگیرانه سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی
۲۸۶	گفتار دوم: مشارکت دولت ها در سیاست جنایی تقنینی سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی
۲۹۱	گفتار سوم: مشارکت دولت ها در سیاست جنایی قضائی سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی
۳۰۲	مبحث دوم: مشارکت سازمان های بین المللی در سیاست جنایی سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی
۳۰۵	گفتار اول: مشارکت سازمان های بین المللی در سیاست جنایی پیشگیرانه سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی
۳۱۹	گفتار دوم: مشارکت سازمان های بین المللی در سیاست جنایی تقنینی سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی
۳۲۶	گفتار سوم: مشارکت سازمان های بین المللی در سیاست جنایی قضائی سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی
۳۳۶	نتیجه
۳۴۰	نتیجه کلی
۳۵۱	منابع و مآخذ
۳۶۸	پیوست

مقدمه

الف: طرح بحث

انسان دارای کرامت ذاتی است.^۱ کرامت ذاتی، راهنمای سایر حقوق انسانی انسان است^۲ و اگر کرامت ذاتی، نقش محوری خود را از دست دهد، دیگر حقوق انسانی نیز نقض می شود و مورد بی حرمتی قرار می گیرد. اگر چه، طرز تلقی اندیشمندان حوزه های مختلف علوم انسانی از کرامت انسانی در برخی موارد مختلف بوده^۳ اما این مسأله مانع نشده است که در قواعد موضوعه بشری به این واژه استناد شود. کرامت ذاتی انسان در کانون توجه منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر قرار دارد و یکی از مفاهیم کلیدی است که حقوق بشر بر پایه آن نهاده شده است. در مقدمه میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^۴ و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۵ تصریح شده که همه حقوق بشر از کرامت ذاتی انسان ناشی می شود. کرامت انسانی اساس بسیاری از متون حقوقی و احکام قضایی و درج آن در اعلامیه جهانی حقوق بشر نتیجه تکامل و تحوّل تاریخی آن است.

کرامت انسانی که از سه سده پیش یا کمی پیش از آن وارد زندگی انسانی شده به عنوان ابزاری برای حمایت از حقوق انسان ها در مقابل قدرت دولت ها به کار رفته است. «روسو» در **قرارداد اجتماعی** بر این باور است که اراده دولت ملی در

^۱ و لقد کرّمنا بنی آدم **قرآن کریم**، سوره اسراء، آیه ۷۰؛ در مورد کرامت ذاتی انسان ر.ک.: عمید زنجانی، عباسعلی و توکلی، محمد مهدی، "حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام"، **فصلنامه حقوق**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۴، ۱۳۸۶، صص ۱۶۳-۱۶۱.

^۲ فیض، سید رضا، "کرامت انسانی در عرفان ابن عربی"، **مجموعه مقالات همایش بین المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن ها**، چاپ انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۰، صص ۲۰۰-۱۹۸.

^۳ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سند مهم حقوق بشری و از سازکارهای مبتنی بر معاهدات حقوق بشری است که مشتمل بر یک مقدمه و پنجاه و سه ماده در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و تعهداتی در زمینه های مدنی و سیاسی برای دولت های عضو پیش بینی شده است. برای نظارت بر اجرای تعهدات مندرج در مواد ۲۸ تا ۴۵ این میثاق کمیته ای به نام **کمیته حقوق بشر** پیش بینی و سازکارهای آن لحاظ و این کمیته در سال ۱۹۷۷ تشکیل شده است. دولت ایران در تاریخ ۱۳۴۷/۱/۱۵ آن را امضا کرده و در اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ در مجلس به تصویب رسانده است.

^۴ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مشتمل بر یک مقدمه و ۳۱ ماده در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده و ایران ۲۴ آوریل ۱۹۶۸ (مصادف با ۱۳۴۷/۱/۱۵) آن را در نیویورک امضاء کرده و در تاریخ ۱۳۵۴/۲/۱۷ به تصویب مجلس سنا رسیده است. لیکن برای تعهدات پیش بینی شده در آن، نهاد نظارتی پیش بینی نشده است. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۵ به موجب قطعنامه شماره ۱۹۸۵/۱۷ کمیته ناظر بر اجرای مفاد این میثاق را ایجاد کرد. بر خلاف کمیته های ناظر بر اجرای معاهدات حقوق بشری دیگر که اعضای آن ها را دولت های عضو انتخاب و به مجمع عمومی گزارش می کنند شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل خود راساً اعضای این کمیته را انتخاب می کند.

^۵ McCrudden, Christopher, "Human Dignity and Judicial Interpretation of Human Rights", in **European Journal of International Law**, Vol. ۱۹, No. ۴, ۲۰۰۸, p. ۶۵۶.

واقع، اراده خود اشخاص است و احتمال هیچ گونه ظلمی نمی رود، بنابراین، ملت می تواند همه حقوق خود را به دولت واگذار کند و در پناه امنیت آن زندگی کند. اما، تجربه تاریخی در این چند سده نشان داده است که به هیچ دولتی اعم از دولت مستبد، اشتراکی و حتی مردم سالار نمی توان آن قدر اطمینان کرد که حقوق ملت را به طور کامل در اختیار داشته باشد تا هر گونه می خواهد تصمیم بگیرد.^۷

بررسی تاریخی نشان می دهد که واژه کرامت در نیمه نخست سده بیستم و پیش از جنگ جهانی دوم در متون و اسناد حقوق بشر وارد و در اعلامیه ۱۹۴۴ حقوق بشر کمیته یهودیان آمریکایی تصریح شده که ارزش گذاری ها مبتنی بر کرامت و عدم تعرض پذیری انسان و حق زندگی است.^۸ کرامت انسانی از نیمه دوم سده بیستم به بعد با شتاب بیشتری در متون حقوقی بویژه حقوق اساسی کشورها و حقوق بین الملل وارد و درج شده است. در اعلامیه حقوق بشر کوبا (۱۹۴۶)، لایحه حقوق بشر انگلیس (۱۹۴۷) و پیشنهادهای هم زمان ایالات متحده آمریکا برای معاهده حقوق بشر و قانون اساسی بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکایی به کرامت انسانی تصریح و استناد شده است. ژاپن، ایتالیا و آلمان سه کشور بزرگی بودند که در فاصله سال های ۱۹۴۵ و ۱۹۵۰ واژه کرامت انسانی را در قانون اساسی خود درج کردند؛ همان کشورهایی که در جنگ جهانی دوم شکست خوردند و مسؤول بسیاری از وحشی گری هایی بودند که جنبش حقوق بشر به دنبال ریشه کنی آن بود.^۹ همزمان با انتشار اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، در سطح منطقه ای نیز کرامت انسان در اعلامیه آمریکایی حقوق و وظائف انسان درج شد. در مقدمه و هر دو بخش این اعلامیه (حقوق و تکالیف) و فصل ۷ معاهده سازمان کشورهای آمریکایی کرامت انسان نقش اساسی ایفاء کرده و در مواد ۱ و ۲۹ لایحه حقوق جنبش اروپایی ۱۹۴۸ مصادف با اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر، به کرامت انسانی تأکید شده است.^{۱۰} کرامت انسانی در متن و مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر با این بیان مورد تأکید قرار گرفته است که "از آن جا که شناسایی کرامت ذاتی و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر کلیه اعضای خانواده بشری اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می دهد و از آن جا که مردم ملل متحد، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر، کرامت و ارزش فرد انسانی اعلام داشته اند" و سپس در مواد (۱) و (۲۲) همین اعلامیه بیان شده که "همه افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ کرامت و حقوق با هم برابرند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند. هر کس، به عنوان عضو جامعه، حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است با مساعی ملی و بین المللی و طبق ساختار هر کشور، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه کرامت، رشد و آزادی شخصیت اوست، به دست آورد."^{۱۱}

در مقررات داخلی کشورها در سده نوزدهم در ارتباط با رفتار با زندانیان و نیز مقررات و طرح های معاهداتی پیش از جنگ جهانی دوم در خصوص رفتار با غیر نظامیان، به کرامت انسانی به طور پراکنده اشاره شده است. اما، پس از جنگ جهانی دوم، در حقوق بشر دوستانه بین المللی و طرح های کنوانسیون های ژنو به کرامت انسانی

^۶ کاتوزیان، ناصر، عدالت و حقوق بشر، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۳، ۱۳۸۶، ص ۳۲۴.

^۷ همان، صص ۳۲۴-۳۲۵.

^۸ McCrudden, Christopher, op. cit., p. ۶۶۵.

^۹ Ibid., pp. ۶۶۴-۶۶۵.

^{۱۰} Ibid., pp. ۶۶۶-۶۶۷

بیشتر توجه شده است. کرامت انسانی، در ماده ۳ مشترک کنوانسیون های ژنو به طور مشخص درج و از جمله تصریح شده که تعدی به کرامت فردی و مخصوصاً تحقیر و رفتارهای موهن ممنوع است. در ماده ۷۵ پروتکل الحاقی اول به این کنوانسیون ها که در مورد حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین المللی است تعرض به کرامت فردی منع شده و در ماده ۸۵ این پروتکل و نیز ماده ۴ پروتکل الحاقی دوم تصریح شده که برخی از اعمال از جمله تعرض به کرامت انسانی، نقض جدی این کنوانسیون ها و پروتکل های الحاقی به آن است. در سطح بین المللی، کرامت ذاتی انسان در اسناد عام و خاص نیز مورد توجه واقع شده است. مقدمه کنوانسیون ۱۹۵۶ منع برده داری به تأیید مجدد اعتقاد ملل متحد به کرامت و ارزش فرد انسانی اشاره دارد. در دهه ۱۹۶۰، در سه کنوانسیون مهم حقوق بشری یعنی میثاق "حقوق مدنی و سیاسی" و "حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی" و کنوانسیون حذف همه اشکال تبعیض نژادی به طور مکرر به این موضوع تصریح شده است. در مقدمه کنوانسیون ۱۹۷۹ رفع تبعیض علیه زنان و کنوانسیون ۱۹۸۴ منع شکنجه نیز به کرامت ذاتی انسان استناد شده است. کرامت انسانی چنان برای مفاهیم حقوق بشری سازمان ملل متحد مهم و اساسی شد که در سال ۱۹۸۶، مجمع عمومی آن سازمان در راهنمای اسناد جدید حقوق بشر تصریح نمود که این اسناد خصیصه بنیادین دارند و مبتنی بر کرامت ذاتی انسان اند. تأیید کرامت انسانی به عنوان یک اصل در اعلامیه و برنامه عمل کنفرانس جهانی وین در مورد حقوق بشر در سال ۱۹۹۳ حرکت دیگری برای استفاده از آن در قلمرو بین المللی بود. در کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، کنوانسیون کارگران مهاجر (۱۹۹۰) و حمایت از ناپدید شدگان اجباری و کنوانسیون حقوق افراد معلول (۲۰۰۷) به کرامت ذاتی انسان تصریح شده است. کرامت انسانی، علاوه بر متون و اسناد بین المللی حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین المللی، در اسناد حقوق بشری منطقه ای مانند اساسنامه های دادگاه های اختصاصی و دیوان کیفری بین المللی نیز از حیث تعرض به کرامت فردی انسان مورد توجه واقع شده است.

کرامت انسانی، مبنای بسیاری از ارزش هایی است که در قالب هنجارها و قواعد حقوقی تدوین شده است که مس توان این مسأله را در همه رشته های حقوقی بویژه حقوق کیفری^{۱۱} و حقوق بشر^{۱۲} ملاحظه کرد. در متون و اسناد ملی و بین المللی مربوط به حقوق بشر تلاش شده، شأن و کرامت انسانی به طور مستقیم و غیر مستقیم و با حمایت از حقوق مبتنی بر این کرامت انسانی مورد توجه قرار گیرد و هر گونه تعرض به آن با واکنش جامعه رو به رو شده و تضمیناتی برای رعایت آن پیش بینی و ساز و کارهای حمایتی لازم اندیشیده و طراحی شده است. در عین حال، جامعه بین المللی در موارد متعدد و اشکال مختلف در هر گوشه از جهان شاهد نقض و تعرض به شأن و کرامت ذاتی انسانی بوده و به همین اعتبار امروزه با توجه به درس ها و عبرت های گذشته، در دهکده جهانی، دغدغه حمایت و صیانت از کرامت ذاتی انسان و حقوق مبتنی بر این کرامت و امتیث بشری، رویکرد مشترک همه اعضای جامعه بین المللی است. مروری کوتاه بر قواعد و هنجارهای

^{۱۱} رحیمی نژاد، اسمعیل و حبیب زاده، محمد جعفر، "مجازات های نامتناسب: مجازات های مغایر با کرامت انسانی"، فصلنامه حقوق،

مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۲، ۱۳۸۷، ص ۱۱۶.

^{۱۲} فیض، سید رضا، پیشین، صص ۱۹۶-۱۹۵.

مربوط به حقوق بشر مؤید این موضوع است. کرامت ذاتی انسان به شکل های مختلف در قواعد و هنجارهای بین المللی لحاظ شده داشته است؛ گاهی، خود مبنا و علت وجودی بسیاری از این قواعد بوده و گاهی هم، قواعد دیگری برای حمایت و تضمین رعایت آن پیش بینی شده است. جامعه بین المللی در تعریف ارزش ها و هنجارها، کرامت و حیثیت ذاتی انسان را مبنا قرار داده و به همین اعتبار، این هنجارها ارزش های عالی و جهانی تلقی می شوند.^{۱۳}

به طور کلی، این مطلب مورد پذیرش قرار گرفته که حقوق بشر، تجلی بارز کرامت انسانی است و تکلیف دولت ها به تضمین رعایت آن ناشی از شناخت همین کرامتی است که منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر آن را اعلام نموده است. حقوق بشر با کرامت ذاتی انسان در آمیخته و با آن پیوند خورده است و رعایت این حقوق به عنوان تکلیفی ناشی از قاعده آمره حقوق بین الملل به کلیه دولت ها تحمیل و اعمال می شود. در واقع، بسیاری از قواعد حقوق بشر به عنوان قواعد آمره شناخته شده اند به خصوص جامعه جهانی، نسل کشی و آپارتاید (رژیم نژادپرستی) را نقض قواعد آمره تلقی نموده و مسؤولیت بین المللی دولت ها را حتی زمانی که عضو کنوانسیون های مربوط به این جنایات نیستند، پذیرفته است. بررسی و دقت در قواعد حقوق بشر بویژه حقوق مدنی و سیاسی نشان می دهد که تعریف، تبیین، حمایت و تضمین اجرای این قواعد همواره مهمترین دغدغه جامعه بین المللی بوده و توجه به این مسأله روز به روز بیشتر و رشد فزاینده و دستاوردهای بسیار زیادی داشته است.^{۱۴}

نظم عمومی بین المللی بر ارزش های بنیادینی پایه گذاری شده که خود این ارزش ها ضامن اقتدار جامعه بین المللی است. برخی از این ارزش ها ارزش های ثبوتی اند یعنی نیاز به اثبات ندارند و در زمان و مکان ثابت اند. چنین ارزش هایی در واقع تنظیم کننده رفتارهای اساسی اعضای یک جامعه اند و رعایت نکردن آن ها آن جامعه را با خطر نابودی رو به رو می سازد. اغلب قواعد حقوق بشر و بالاخص مهمترین آن ها یعنی قواعد مربوط به حفظ حیات و صیانت از تمامیت جسمی و روحی انسان ها از جمله آن هاست. اگر نقض قواعدی، حیات انسان ها را چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی به خطر اندازد و نابود کند در واقع، ارزش های ثابت و تغییر ناپذیر بین المللی نقض می شوند. چنین قواعدی در واقع، قواعد آمره حقوق بین الملل عام هستند و نقض آن ها نظم عمومی بین المللی را نیز به خطر می اندازد. دیوان بین المللی دادگستری نیز در رأی مشورتی «حق شرط بر معاهده پیشگیری و مجازات نسل کشی» در این مورد اعلام داشته است که دیوان، اصول بنیادین این کنوانسیون را به عنوان قواعد شناخته شده از سوی ملل متحد تحلیل می کند که دولت ها را حتی بدون داشتن تعهد قرار دادی به یکدیگر پیوند می دهد. دولت های طرف این کنوانسیون در واقع، تنها منافع خود را در آن لحاظ نکرده بلکه منافع جامعه جهانی را نیز مورد توجه و مطمح نظر قرار داده اند.^{۱۵}

^{۱۳} عمید زنجانی، عباسعلی و توکلی، محمد مهدی، پیشین، ص ۱۶۳.

^{۱۴} آپارو، سان خوزه جیل، «مسؤولیت بین المللی دولت ها در قبال نقض حقوق بشر»، ترجمه ابراهیم بیگ زاده، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۳۰-۲۹، ۱۳۷۹، ص ۲۵۹.

^{۱۵} بیگ زاده، ابراهیم، «بررسی جنایت نسل کشی و جنایات علیه بشریت در اساننامه دیوان کیفری بین المللی»، در *مجموعه مقالات "دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران"* (به اهتمام اسحاق آل حبیب)، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۸، صص ۶۱-۵۹.

حقّ حیات، ارزش بنیادین مبتنی بر کرامت انسانی است. جامعه بین المللی نقض آن را زشت، مغایر با کرامت انسانی و جرم می داند و به ارتکاب آن واکنش نشان می دهد. اما، به رغم توجّه جدی جامعه بین المللی به این مسأله، تاریخ گواه آن است که تلاش های صورت گرفته همیشه نتیجه بخش نبوده و به هر حال، ارزش های برتر انسانی در برخی موارد، با توجیّهات و بهانه های گوناگونی به بدترین شکل نقض شده و جامعه بین المللی را با چالش اساسی رو به رو ساخته است. وقوع جنگ های داخلی در هر برهه و مخاصمات بین المللی مخصوصاً جنگ جهانی اول و دوّم با هر علت و توجیّهی، نمونه های بارزی است که بشریت و کرامت ذاتی انسان را آماج هدف های خود قرار داده و گاهی برخی از این موارد، واقعاً به دور از شأن انسانی و به تعبیری، وحشی گری بوده است. فجایع کوزوو^{۱۶}، رواندا، بوسنی و هرزگوین و دارفور سودان در دهه آخر سده بیستم اوج این وحشیگری هاست. اکنون، آغازین سال های قرن بیست و یکم نیز شاهد نقض گسترده کرامت ذاتی انسان است. با رخدادهای جدیدی همچون فاجعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، یک احساس ناامنی بین المللی

Reservations to the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, Advisory Opinion, I.C.J Reports ۱۹۵۱, (۲۸/۵/۱۹۵۱) ۱۵, para. ۲۳; Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Yugoslavia), preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports ۱۹۹۶ (II), p. ۶۱۶, para. ۳۱.

در سال ۲۰۰۶ دیوان بین المللی دادگستری در رأی صلاحیتی مربوط به دعوی جمهوری دموکراتیک کنگو علیه رواندا با اشاره به رأی مشورتی سال ۱۹۵۱ در مورد «حق شرط بر کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل کشی» و نیز در رأی سال ۱۹۹۶ مربوط به ایرادات مقدّماتی پرونده «اجرای کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل کشی» موضوع دعوی بوسنی و هرزگوین علیه صربستان و مونته نگرو، مجدداً تأکید و تصریح نمود که اصول مندرج در «کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل کشی» اصولی هستند که ملل متممّن آن را در مورد کشورها لازم الاتباع دانسته است حتّی اگر کشورها در این مورد تعهد قراردادی نداشته باشند و در نتیجه، محکومیت نسل کشی و همکاری برای رهایی بشریت از این بلای خانمان سوز که در مقدّمه کنوانسیون آمده ویژگی جهانی دارد و حقوق و تعهدات مندرج در آن حقوق و تعهدات ارگا امنس (obligatio erga omnes) هستند. ر.ک:

Case concerning armed activities on the territory of the Congo (New application: ۲۰۰۲),

(Democratic Republic of the Congo v. Rwanda.), Judgment, ۳ February ۲۰۰۶, para.۶۴;

Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro (“Case concerning the application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide”), judgment, ۲۶ February ۲۰۰۷, para. ۱۸۸.

available at [http://www.icj-](http://www.icj-cij.org/icjwww/idocket/ibhy/ibhyjudgment/ibhy_ijudgment_۲۰۰۷۰۲۲۶_frame.htm)

[cij.org/icjwww/idocket/ibhy/ibhyjudgment/ibhy_ijudgment_۲۰۰۷۰۲۲۶_frame.htm](http://www.icj-cij.org/icjwww/idocket/ibhy/ibhyjudgment/ibhy_ijudgment_۲۰۰۷۰۲۲۶_frame.htm).

تلقی نسل کشی به عنوان قاعده آمره حقوق بین الملل کیفری، تعهدات erga omnes ایجاد می کند. موارد زیر از جمله این تعهدات است: تکلیف به تعقیب یا استرداد مرتکبان، عدم مصونیت مرتکبان از جمله رؤساء دولت ها، عدم پذیرش عذر اطاعت از دستور مافوق (مگر برای تخفیف مجازات)، اجرای جهانی این تعهدات در زمان صلح و جنگ، عدم امکان عدول از آن ها در شرایط فوق العاده و اعمال صلاحیت جهانی در مورد مرتکبان آنها.

Bassiouni, M. Cherif, "International crimes: Jus cogens and obligation erga omnes, Law and contemporary problems", Vol. ۵۹: No. ۴, ۱۹۹۶, p. ۶۳.

^{۱۶} ممتاز، جمشید و نجفی اسفاد، مرتضی، بررسی بحران کوزوو و حقوق بین الملل، **فصلنامه دیدگاه های حقوقی**، سال پنجم، شماره ۱۸-۱۷، بهار-تابستان ۱۳۷۹، ص ۱۳۲؛ جاویدزاده، حمیدرضا، "کشمکش حقوقی بر سر آینده کوزوو"، **روزنامه ایران**، سال چهارم، دو شنبه، ۲۷ آبان ۱۳۸۷، صفحه دیپلماتیک.

در جامعه بشری به وجود آمده و درگیری های داخلی در برخی از کشورهای آفریقایی مانند سودان و کنگو گواه زنده این وضعیت ها^{۱۷} و رویارویی با این چالش ها و مبارزه با آن دشوار و نیازمند تلاش همه جانبه است.

از سوی دیگر، علت وجودی برخی از سازمان های بین المللی از جمله سازمان ملل متحد پاسخ به این چالش ها و اهداف و فعالیت های آن معطوف به این مسأله است. جامعه بین المللی از یک سو، شناسایی کرامت ذاتی انسانی و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آن را اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان دانسته و ایمان خود را به این کرامت انسانی اعلام نموده^{۱۸} و از سوی دیگر، مسؤلیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را بر عهده سازمان ملل گذاشته است^{۱۹} و بدین ترتیب، سازمان ملل این هدف اساسی را دنبال می کند که کرامت ذاتی انسان حفظ شود و تحت عنوان حفظ صلح و امنیت بین المللی از کرامت ذاتی انسان حمایت و دفاع می کند.

براستی، تهدیدات، چالش ها و دغدغه های رو در روی قرن بیست و یکم جدی تر و تا اندازه ای، متفاوت با چالش هایی است که سازمان ملل در آغازین سال های تأسیس خود با آن رو به رو بوده است و به نظر می رسد توان و مأموریت آن با نیازها و انتظارات چالش های جدید سازگار نیست.^{۲۰} تهدیدات و چالش های امروزی، کرامت ذاتی انسان به ویژه حق حیات گروه های انسانی را آماج هدف های خود قرار داده است. شناخت درست این تهدیدات و چالش ها و تشخیص نوع و ماهیت آن ها اهمیت خاصی دارد تا با بازتعریف مأموریت ها، ایجاد ساز و کارهای متناسب، اتخاذ تدابیر و سیاست های درست و انجام اقدامات بایسته بتوان با آن ها مبارزه کرد.

تلفات انسانی ناشی از درگیری های داخلی در پایان قرن بیستم نسبت به آغاز آن افزایش یافته و میزان این تلفات در جنگ های داخلی بیشتر از جنگ های بین المللی است. به نظر می رسد سازمان ملل با توجه به اهداف و اصول مندرج در مواد ۱ و ۲ منشور ملل از جمله ممنوعیت توسل به زور یا تهدید به زور در سایه اصل تساوی حاکمیت کشورها و منع مداخله در امور داخلی آن ها، تا اندازه ای موفق به مهار جنگ های بین المللی شده و تمرکز بیشتر به این جنبه از مسأله موجب شده که جامعه بین المللی نتواند از حصار حاکمیت ملی بگذرد و چهار دیواری حاکمیت کشورها و اصل منع مداخله در امور داخلی کشورها باعث شده که کشورها، پنهانی یا آشکار در داخل چهار دیواری خود هر آنچه خواسته اند با ملت خود کرده اند. موضوع پیچیده و بغرنج و سخن این است که چه کسی مسؤول و پاسخگوست؟ دولت ها یا جامعه بین المللی با محوریت سازمان ملل و یا هر دو؟

^{۱۷} مهر ماه ۱۳۸۷ دادستان دیوان کیفری بین المللی در اجرای مقررات بند (ج) ماده ۱۳ و بند (۳) ماده ۱۵ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و با اعتقاد بر این که مبنای مستدکی برای پرداختن به تحقیق در مورد جنایات ارتكابی در دارفور سودان وجود دارد از شعبه مقدماتی دیوان خواست که با تعقیب قضایی عمر حسن البشیر، رئیس جمهور سودان به اتهام نسل کشی، جرائم علیه بشریت و جنایات جنگی موافقت و مجوز تحقیق را صادر کند. قبلاً هم حکم احضار و بازداشت برخی مقامات درگیر در قضیه سودان از جمله وزیر کشور آن کشور به اتهام ارتكاب جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت صادر شده است و تحت تعقیب قضایی هستند.

^{۱۸} بندهای (۱) و (۲) مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر و مقدمه منشور ملل متحد.

^{۱۹} بند (۱) ماده ۱ و دیگر مقررات فصل ۷ منشور سازمان ملل.

^{۲۰} "The responsibility to protect", Report of the International Commission on Intervention and Sovereignty, paras. ۱.۱۰-۱.۱۲, available on <http://www.idrc.ca/en/.html>, visited at ۲۰۰۹-۰۳-۳۱

مخالفان و منتقدان حقوق بین الملل به دلایل مختلفی باور دارند که حقوق بین الملل نظام حقوقی ندارد بنابراین، جامعه بین المللی نمی تواند از عهده این مسؤولیت بر آید چون ضمانت اجرا، ارکان و سازمان عالی برای مأموریت های تقنینی، قضایی و اجرایی ندارد. اما واقعیت این است که جامعه بین المللی اگر چه ارکان عالی ندارد و به اندازه نظام های ملی کامل نیست و در حال تکامل است اما خود، از یک نظام خاص تقنینی، قضایی و اجرایی برخوردار است.^{۲۱}

همان گونه که اشاره شد در بسیاری از موارد، نقض کرامت ذاتی انسان در عرصه بین المللی عنوان جرم بین المللی به خود گرفته و یکی از رفتارهای ناقض کرامت ذاتی انسان، سلب تبعیض آمیز حق حیات^{۲۲} گروه های انسانی است که در ادبیات حقوق بین الملل کیفری از آن تحت عنوان نسل کشی یاد می شود. نسل کشی یکی از مهمترین جنایات بین المللی است که همواره در طول تاریخ رخ داده و به بشریت لطمات سنگینی وارد و وجدان بشریت را جریحه دار کرده^{۲۳} و صلح، امنیت و آسایش جهان را مختل و جامعه بین المللی را نگران نموده است^{۲۴}؛ کشتار ارمنه توسط امپراتوری عثمانی در اوایل قرن بیستم، یهودیان و دیگر گروه های قومی در آلمان، مسلمانان در بوسنی و هرزگوین، قتل عام گروه "توتسی" توسط گروه "هوتو" در رواندا، شیعیان و کردها توسط رژیم بعث عراق، کشتار در کامبوج توسط رژیم پل پوت و خمرهای سرخ، کشتار وسیع در تیمور شرقی، کشتار در کنگو و موارد دیگر^{۲۵}، نمونه های بارز کشتارهای دسته جمعی است که در طول قرن بیستم رخ داده است. جامعه بین المللی با محوریت سازمان ملل این کشتارها را محکوم نموده و به آن واکنش نشان داده است^{۲۶}؛ به گونه ای که ممنوعیت نسل کشی به عنوان قاعده آمره حقوق بین الملل شناخته شده^{۲۷} و در رویه قضایی نیز تایید شده است.^{۲۸}

^{۲۱} ضیائی بیگدلی، محمدرضا، **حقوق بین الملل عمومی**، چاپ ۳۱، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۷، صص ۱۷-۱۳.

^{۲۲} سید فاطمی، سید محمد قاری، «حق حیات»، **مجله تحقیقات حقوقی**، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۲-۳۱، ۱۳۷۹، صص ۱۵۳-۱۵۰.

^{۲۳} مقدمه «کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل کشی» و قطعنامه شماره ۹۶(D) مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶.

^{۲۴} بندهای ۳ و ۴ مقدمه اساسنامه دیوان کیفری بین المللی که طی سند شماره A/CONF.۱۸۳/۹ منتشر شده است.

^{۲۵} مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۸۲، با یادآوری قطعنامه های شماره ۹۵(D) و ۹۶(D) که به موجب آن جرم بودن نسل کشی را در حقوق بین الملل تأیید نمود و با اعلام این که کشتار گسترده شهروندان فلسطینی در اردوگاه های پناهندگان صبرا و شتیلا توسط اسرائیل و شبه نظامیان مسیحی حزب فالانژ مورد غضب و محکومیت جهانی است، این کشتار را با شدیدترین عبارات محکوم کرد و آن را نسل کشی دانست.

<http://www.un.org/documents/ga/res/rv/arvrv13.htm>, visited at ۲۰۱۰-۱۲-۳۱; Schabas, William, **Genocide in International Law: the crime of crimes**, Cambridge University Press, ۲^{ed}, ۲۰۰۹, pp. ۵۴۰-۵۴۱

^{۲۶} آنتونیو کاسسه موارد نسل کشی پس از «کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل کشی» را این گونه نام برده است: کشتار بالبوها در سال ۱۹۶۰ توسط ارتش ملی کنگو، کشتار «هوتو»ها توسط «توتسی»ها در سال های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۲ در بروندی، کشتار بنگلادشی ها توسط ارتش پاکستان، کشتار سرخ پوستان آشه در پاراگوئه در سال های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۰، کشتار مخالفان سیاسی و گروه های قومی الکولی و لانگو در اوگاندا توسط حکومت ایدی امین، کشتار رژیم خمرهای سرخ به رهبری «پل پوت» در کامبوج در سال های ۱۹۷۵ و ۱۹۷۸ که از جمله گروه های قومی و دینی از جمله شمس ها(اقلیت های دینی) و کشیش های بودایی در بین کشته شدگان

سازمان ملل متحد، مهمترین و بزرگترین سازمان بین‌المللی است که برای تحقق اهداف و مأموریت‌های جهانی از جمله صلح و امنیت بین‌المللی و توسعه و ترویج حقوق بشر تأسیس شده و این قلمروهای وسیع مبارزه با جرائم بین‌المللی از جمله نسل‌کشی را نیز در بر می‌گیرد. در این راستا، سازمان ملل به عنوان کانون و مرکز هماهنگی اقدامات ملل متحد در این زمینه تلقی می‌شود. این سازمان فعالیت‌ها و اقداماتی برای مبارزه با نسل‌کشی جرایم انجام داده که در حوزه‌های پیشگیرانه، ایجاد قواعد، جرم‌انگاری، پیش‌بینی و اعمال مسؤلیت کیفری فردی، ایجاد ساز و کارهای تعقیب و محاکمه مرتکبان این گونه رفتارها و بالاخره، پیش‌بینی و اعمال مسؤلیت بین‌المللی دولت‌ها نمود دارد. در این رساله، مجموعه این اقدامات تحت عنوان کلی **سیاست جنایی سازمان ملل متحد در قبال نسل‌کشی** طرح و تبیین خواهد شد.

ب: سؤالات تحقیق

به رغم اقدامات انجام شده و اتخاذ تدابیر لازم برای پیشگیری از نسل‌کشی و مبارزه با بی‌کیفری در این زمینه، جامعه بین‌المللی با محوریت سازمان ملل هنوز نتوانسته به وعده‌های خود مبنی بر "دیگر هرگز" جامه عمل بپوشاند و اهداف خود را محقق سازد. ددمنشی فاجعه بالکان در اواخر قرن بیستم وجدان جامعه بین‌المللی را تکان داد و یک بار دیگر، ناتوانی یا کوتاهی سازمان ملل را نمایان ساخت و به طور کلی، اواخر قرن بیستم جهان به طور مکرر شاهد وقوع شدیدترین جرایم موجب نگرانی جامعه بین‌المللی از جمله نسل‌کشی بوده^{۲۹} و اینک، در آغازین سال‌های قرن بیست و یکم بیم تکرار

بودند، سال ۱۹۸۲ در لبنان شبه‌نظامیان مسیحی فالانژ و اسرائیل در اردوگاه‌های صبرا و شتیلا فلسطینی‌ها را قتل عام کردند و بالاخره کشتار کردها توسط رژیم عراق در سال ۱۹۸۸ در عراق. ر.ک:

کاسسه، آنتونیو، «جامعه بین‌المللی و کشتار جمعی»، ترجمه محمد علی اردبیلی، **مجله تحقیقات حقوقی**، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۰، سال ۱۳۷۱، صص ۲۲۹-۲۲۸.

«ویتکر» در گزارش سال ۱۹۸۵ خود موارد دیگر نسل‌کشی را این گونه نام برده: کشتار Herero توسط آلمان در سال ۱۹۰۴، کشتار ارمنه توسط امپراتور عثمانی در سال‌های ۱۹۱۶-۱۹۱۵، کشتار یهودیان توسط اوکراین در سال ۱۹۱۹، کشتار قوم هوتو توسط قوم توتسی در بروئندی در سال ۱۹۶۵، کشتار «آش»‌های هند توسط پاراگوئه پیش از سال ۱۹۷۲، کشتار سال‌های ۱۹۷۵ و ۱۹۷۹ توسط رژیم خم‌های سرخ. ر.ک:

Economic and Social Council Commission on Human Rights, Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities, Thirty-eighth session, Item ۴ of the provisional agenda, E/CN.۴/Sub.۲/۱۹۸۵/۶ — ۲ July ۱۹۸۵ United Nations, Revised and updated report on the question of the prevention and punishment of the crime of genocide, UN B. Whitaker Report on Genocide, ۱۹۸۵, paragraph ۲۴, available at <http://www.preventgenocide.org/prevent/UNdocs/whitaker>, last visited ۲۰۰۹-۰۳-۰۱.

^{۲۷} Case Concerning Application of the Genocide Convention, (Bosnia and Herzegovina) v Yugoslavia (Serbia and Montenegro), ICJ Reports and Judgment (۱۳/۹/۱۹۹۳) ۳۲۵, ۴۴۰ (Separate opinion of Ad hoc Judge Lauterpacht).

^{۲۸} Prosecutor v. Kayishema and Ruzindana, (Case No. ICTR-۹۵-۱-T), Trial Chamber, Judgment, (۲۱/۵/۱۹۹۹), para ۸۸.

^{۲۹} Report of the International Law Commission on the work of its forty-eighth session, Draft Code of Crimes against the Peace and Security of Mankind with commentaries, **Yearbook of the International Law Commission**, ۱۹۹۶, vol. II, Part Two, p. ۲۸.